



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۲۰/۰۹/۰۸



رفعت حسینی

چتیای دربارہ ہویت ملی در افغانستان

امروز در وبسایت افغان جرمن آنلاين نگاشته یی دیدم از میر عنایت الله سادات بنام « بازتاب هويت ملی بر زندگی افغانها». از دریچه یی که من می نگرم در این مقاله از هیچ گونه {بازتاب هويت ملی بر زندگی افغان های} مسکین و بینوا، در درازای تاریخ، اثری و نشانه و تذکری نبود.

عنایت سادات پرچمدار حزب خلق بود و در دهه چهل خورشیدی در تظاهرات پرچمی ها، گاهی، بیانیہ نیز می داد.

مقاله « بازتاب هويت ملی بر زندگی افغانها» سرشار است از پُف کردن های همیشگی که [عادت سیاسی] خلقی ها پرچمی ها شعله یی ها بود.

درین مقاله همان گونه که کارمل غُرمی زد، از تمدن! های شکوهمند! باستانی! افغانستان، باد های فراوان به هوا رها شده است. درین مقاله میخوانید:

«... سرزمین باستانی افغانستان، مسماً به نامهای آریانا، خراسان و افغانستان مهد یکی از کهن ترین مراکز تمدن های جهان بود. ولی بالآخر عوامل گوناگونی که ذکر آن درین نوشته مختصر نمی گنجد، در آغاز قرن شانزدهم به اثر هجوم قوتها ی مغلی، صفوی و شیبانی، دچار تجزیه شد...».

بس و خلاص.....

تمام هويت ملی در افغانستان باستان موجود بوده است مگر لعنتی ها (مغلی، صفوی و شیبانی) شیرازه تمدن کهنسال افغانستان را بهم زدند!!!!

آقای سادات بایستی اندکی از هويت ملی در آریانا و خراسان تذکری می دادند و ذهن تاریک و بیمایه ما را با در و نمایه یی روشن و غنی، نوازش می نمودند. سادات بایستی به طور نمونه، از ابومسلم تذکری میدادند.

ابومسلم را (خراسانی) و یک { قهرمان خراسانی} ساخته و پرداخته اند و به نام و نان و نوا رسیده اند.

باید بدانیم که ابومسلم، هويت ملی آنزمان خرافایی را که بر آن حکم می راند بر آتش بیگانه پرستی و سجدہ به قدرت خارجی مبدل به دود ساخته بود:

«بہزادان پور و نداد هر مزد لا ا ملقب به ابومسلم خراسانی (۲) (۷۱۸-۷۵۵ میلادی) فرمانده نظامی ایرانی و رهبر جنبش سیاه جامگان بود که توانست با براندازی حکومت بنی امیہ،

حکومت بنی عباس را پایه گذاری کند. نام اصلی او بہزادان (پسر و نداد) بود که به توصیه ابراهیم امام، یکی از بزرگان بنی عباس، به عبدالرحمن تغییر نام داد و با حکم وی رهسپار

خراسان شد تا رهبری جنبش ضد اموی در این منطقه را بر عهده بگیرد. وی پس از پیروزی بر حاکم خراسان و تسخیر مرو، سپاهی را روانه عراق نمود و توانست در سال ۱۳۲ هجری

قمری، مروان، آخرین خلیفه اموی را شکست دهد. با بر تخت نشستن ابوالعباس عبدالله سفاح به عنوان اولین خلیفه عباسی، امارت خراسان به ابومسلم سپرده شد. اما قدرت و نفوذ وی برای

د پانو شمیرہ: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکی په خیر و لولی

خلیفه و اطرافیان او نگران کننده بود. سرانجام، ابومسلم در سال ۱۳۳ ه.خ. (۱۳۷ ه.ق.)، به نحو توطئه‌آمیزی به دستور منصور، دومین خلیفه عباسی به قتل رسید.»

اگر خرد و وجدان و عقل و داد و شرف رهبران ما باشند، هیچ گاهی نباید از یاد ما برود که اما امان الله، محمد ظاهر شاه و محمد داود، آن رهبرانی در تمامی تاریخ افغانستان هستند که افغانستان را برای نخستین بار **{ { { هويت ملی } } }** بخشیدند. این سه رهبر، امان الله، محمد ظاهر شاه و محمد داود، هویت ملی افغانستان را به جایگاهی والا و خجسته نیز رسانیدند.

اگر آقای سادات یا گرانقدر دیگری ادعا می نماید که پیش از محمد ظاهر شاه و محمد داود، افغانستان هویت ملی، حتا به مفهوم کهن، داشت، محبتی بورزند و بنگارند که چی وقت تا پیاموریم.

دراغانستان معاصر، شرف انسانی نمی گذارد از یاد برد:

وقتی تره کی و سلیمان لایق و نجیب و بارق شفیعی و امین، با دسیسه سازان دگر، حلقه آهنین بردگی به روس را در هر دوگوش سرزمین افغانستان آویزان کردند و داود را چلنی چلنی کردند، هویت ملی تازه سال افغانستان بیمار شد و مُرد!

پس از بردگی پرچمی خلقی به روس، زمان بندگی طالبان و مجاهدین اسلامی به

امریکا

عربستان

پاکستان

ایران

و { زن سنتیزی / وضو / نماز / حج / ریش / تنبان / لنگوته / } فرار سید.

و آقای سادات پرچمی سابقه ازین [سیمای] هویت ملی افغانستان پس از مصیب ثور ۵۷، هیچ و هیچ و هیچ، یادی نکرده اند.